در آمدى بر تاريخ اديان در قرآن    متن    117     وعده پيروزى نهايى دينداران ..... ص : 117

وعده پيروزى نهايى دينداران‏

خداوند متعال، در آيه 55 از سوره نور (24)، خطاب به مؤمنين و صالحين مى‏فرمايد: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ، كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ، وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضى‏ لَهُمْ، وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً»، وعده‏اى كه با مضامين مشابه در چند جاى ديگر قرآن نيز تكرار شده است.

در آمدى بر تاريخ اديان در قرآن    متن    117     وعده پيروزى اسلام بر اديان باطل ..... ص : 117

وعده پيروزى اسلام بر اديان باطل‏

قرآن، در سوره فتح (48) آيه 28، در مورد هدف از ارسال پيامبر اسلام (ص) مى‏فرمايد: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدى‏ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفى‏ بِاللَّهِ شَهِيداً»، واقعه‏اى كه هنوز اتفاق نيافتاده و دين كامل و جامع اسلام مورد پذيرش عموم قرار نگرفته است. ذكر اين نكته خالى از لطف نيست كه در آخر زمان، حضرت حجة بن الحسن ابتدا چهره اسلام موجود و رايج در زمانه را از غبار همه آلايشها و افزايشهاى من درآوردى و مطابق ميل حاكمان و عالمان و فقيهان و مفتيان و عارفان و- بالاخره همه گروهها و اقشارى كه از ظنّ خود چيزى به دين خدا بسته‏اند مى‏زدايند، و سپس آن دين خالص و ناب محمّدى را براى پذيرش عموم‏

در آمدى بر تاريخ اديان در قرآن، متن، ص: 118

عرضه مى‏فرمايند كه مطابق اراده الهى، پذيرفته هم خواهد شد.

**دايرة المعارف قرآن كريم    ج‏8    536**

د. وعده پيروزى اسلام بر اديان:

وعده پيروزى اسلام بر همه اديان به روشنى در قرآن آمده است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدى‏ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ...».[[1]](#footnote-1) (توبه/ 9، 33؛ صفّ/ 61، 9؛ فتح/ 48، 28؛ نيز ر. ك:

نور/ 24، 55) در برخى روايات نيز آيه 33 توبه/ 9 درباره قائم آل محمد، حضرت مهدى معرفى شده است.[[2]](#footnote-2) علامه طباطبايى معتقد است كه جامعه آرمانى ترسيم شده در آيه 55 نور/ 24 جز بر مجتمع موعود دوران ظهور منطبق نيست.[[3]](#footnote-3) اين آيه در رواياتى فراوان درباره ظهور حضرت مهدى معرفى شده است.[[4]](#footnote-4)

وعده پيروزى اسلام بر ساير اديان در نامه رسول اكرم صلى الله عليه و آله به حاكم مسيحى يمامه‏[[5]](#footnote-5) و در سخنان على عليه السلام در مناظره با عالمى يهودى‏[[6]](#footnote-6) و در پاسخ مشاوره عُمَر درباره جنگ با ايران‏[[7]](#footnote-7) نيز آمده است.

برخى، احتمال داده‏اند كه ضمير در «لِيُظْهِرَهُ» به پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله بازمى‏گردد.[[8]](#footnote-8) در اين صورت آيه بدين معناست كه خدا، علم همه اديان را به رسول خود بياموزد. اين معنا را شيخ طوسى از ابن عباس نقل كرده است.[[9]](#footnote-9)

پاسخ اين است كه اولًا چنان‏كه خود ايشان گفته «غلبه» ظاهرترين معناى متبادر به ذهن از فعل‏ «لِيُظْهِرَهُ» است.[[10]](#footnote-10) ثانياً معناى علم و آگاهى براى‏ «لِيُظْهِرَهُ» با ذيل آيه 33 توبه/ 9: «وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» سازگار نيست، زيرا آنچه مورد خشم مشركان و كافران است، پيروزى اسلام بر ديگر اديان است نه آگاهى پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله از اديان. ثالثاً حتى اگر ضمير «لِيُظْهِرَهُ» به رسول خدا صلى الله عليه و آله باز گردد مى‏توان معناى تفوق اسلام بر ديگر اديان را از آن استفاده كرد، زيرا مى‏تواند بدين معنا باشد كه «خداوند رسول خود را بر همه پيروان اديان غالب گردانَد»، چنان كه زمخشرى آن را برگزيده است.[[11]](#footnote-11)

چنانچه اديان در عرض هم از حقانيت برخوردار باشند، غلبه يك دين بر ديگر اديان هيچ توجيهى ندارد.

منسوخ شمردن آيين‏هاى اهل كتاب و ابطال‏

دايرة المعارف قرآن كريم، ج‏8، ص: 537

پلوراليسم دينى به صورت روشن در روايات اهل بيت عليهم السلام آمده است.[[12]](#footnote-12)[[13]](#footnote-13)

1. ( 2). الميزان، ج 9، ص 247 [↑](#footnote-ref-1)
2. ( 3). تفسير قمى، ج 1، ص 289؛ البرهان، ج 2، ص 770؛ بحارالانوار، ج 24، ص 336 [↑](#footnote-ref-2)
3. ( 4). الميزان، ج 15، ص 155-/ 156 [↑](#footnote-ref-3)
4. ( 5). البرهان، ج 4، ص 89؛ الصافى، ج 3، ص 444؛ الميزان، ج 15، ص 160 [↑](#footnote-ref-4)
5. ( 6). مكاتيب الرسول، ج 2، ص 343 [↑](#footnote-ref-5)
6. ( 7). بحارالانوار، ج 10، ص 44؛ ج 16، ص 347، بااندكى تفاوت [↑](#footnote-ref-6)
7. ( 8). نهج البلاغه، خطبه 146. نيز ر. ك: الميزان، ج 15، ص 160، با اندكى تفاوت [↑](#footnote-ref-7)
8. ( 9). قرآن پژوهى، ص 546 [↑](#footnote-ref-8)
9. ( 10). التبيان، ج 5، ص 209 [↑](#footnote-ref-9)
10. ( 11). قرآن پژوهى، ص 546 [↑](#footnote-ref-10)
11. ( 12). الكشاف، ج 2، ص 265 [↑](#footnote-ref-11)
12. ( 1). براى نمونه ر. ك: الكافى، ج 5، ص 351؛ الاستبصار، ج 4، ص 254؛ وسائل الشيعه، ج 28، ص 325؛ كنزالعمال، ج 1، ص 90؛ السنن الكبرى، ج 12، ص 396؛ مجمع الزوائد، ج 6، ص 261؛ المحلى بالآثار، ج 11، ص 188 [↑](#footnote-ref-12)
13. مركز فرهنگ و معارف قرآن، دايرة المعارف قرآن كريم، 10جلد، بوستان كتاب قم (انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم) - ايران - قم، چاپ: 3، 1382 ه.ش. [↑](#footnote-ref-13)